

آقا محسن

تصویرگر: امیر گروسیان

نویسنده: محمد علی جابری



ketabtala



به نام خدا



برشنامه - ماری - محمد علی، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور: محمد علی جابری / تصویرگر: امیر گروسیان
مشخصات نشر: قم: نشر کتابک، ۱۳۸۰ / مشخصات ظاهری: ۹۸ - صفحه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۴۵-۹۷-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیا
موضوع: جحش، محسن، ۱۳۷۰ - ۱۳۹۱ / موضوع: Michelangelo, Giovanni
موضوع: شهدای - موبده - مرگ: شامه - Martini - Silva - Bolognini
شامه: ورودی: گروسیان، امیر، ۱۳۷۳ / تصویرگر
باز: بادی شکر، ۱۳۵۲-۱۳۵۱
باز: بادی شکر، ۱۳۷۷-۱۳۷۶
نقشه: کتابشناسی، ۸۱۶۵۰۰۱۲

آقا محسن

ناشر: کتابک

نویسنده: محمد علی جابری / تصویر جلد: میکائیل براتی

تصویرگران: امیر گروسیان، علیرضا باقری

گرافیک: گروه فرهنگی هنری پتوس

جایگاه: گلها / نوبت چاپ: چهاردهم / ۱۴۰۱

شمارگان: ۲۵۰۰ جلد

(شمارگان تاکنون: ۳۲۰۰۰ جلد)

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۷۴۵-۹۷-۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

کتابک

تلفن دفتر نشر / قم: ۰۳۷۸۲۷۴۸۳ - ۰۹۱۰۶۶۰۴۳۲۱

آقا محسن

نویسنده: محمد علی جابری



فهرست

- در یک نگاه/۵
آقا محسن/۶
خمپاره/۹
غیبت ممنوع/۱۰
پیرمرد/۱۳
سرزمین موج‌های آبی/۱۴
شب پیروزی‌ها/۱۷
تخت فولاد/۱۸
لباس نوکری/۲۰
توپ بازی/۲۲
بچه‌ی حاج احمد/۲۵
وسط اذان/۲۶
پلیس ۲۹/۱۱۰
دوغ خنک/۳۰
حاج احمد/۳۲
کولر/۳۵
جریمه/۳۷
سیزده به‌در/۳۸
اردوی جهادی/۴۰
الاغ موجی/۴۲
ماشین آجر/۴۴
برای پسر/۴۶
خودآزمایی/۴۷

در یک نگاه

۲۱ تیرماه سال ۱۳۲۰ بسرهای زیادی در ایران به دنیا آمدند، اما یکی از آنها ۲۶ سال بعد باعث سربلندی همه‌ی ایرانی‌ها شد. محسن حججی در شهر نجف‌آباد به دنیا آمد و تا آخر عمر در همانجا زندگی کرد. پدرش راننده‌ی تاکسی بود و مادرش خانه‌دار. در کنار آنها بزرگ شد و از آنها دین و اخلاق را فرا گرفت. از کودکی نماز و روزه را شروع کرد و منتظر سن تکلیف نماند. در همان دوران کودکی وقتی پدر و مادر سحر ماه رمضان بیدارش نمی‌کردند، بدون سحری روزه می‌گرفت. قرآن را هم خیلی زود یاد گرفت و معمولاً در مدرسه سر صف قرآن می‌خواند.

راهنمایی که بود با مؤسسه‌ی شهید کاظمی به اردوی راهیان نور رفت. از اردو که برگشت، تصمیم گرفت با مؤسسه همکاری کند. البته روزهای اول ارتباطش خیلی قوی نبود، حتی مدتی با مؤسسه قطع رابطه کرد، اما دوباره فعالیت‌هایش را از سر گرفت. بعد از اینکه امام خامنه‌ای از فعالیت‌های مؤسسه برای ترویج کتاب‌خوانی تقدیر کرد، محسن تصمیم گرفت همه‌ی توانش را بگذارد برای ترویج کتاب و کتاب‌خوانی.

شهید حججی از تنبلی و راحت‌طلبی بیزار بود. با اینکه می‌توانست سربازی‌اش را در نجف‌آباد باشد، به پیشنهاد خودش او را به یادگانی در دزفول فرستادند. از سربازی که برگشت ازدواج کرد. به خاطر علاقه‌اش به شهادت مدتی بعد از ازدواج شغل پاسداری را انتخاب کرد. بعد از اینکه داعش به سوریه حمله کرد، با التماس اسمش را در لیست متقاضیان دفاع از حرم نوشت و راهی سوریه شد. آقا محسن بعد از دو بار اعزام به سوریه، در دوشنبه ۱۶ مرداد ۱۳۹۶ به دست داعشی‌ها اسیر شد و دو روز بعد به شهادت رسید.

آقا محسن

چیزی به اذان نمانده بود. سفره‌ی افطاری را انداخته بودند. هر کس با یکی صحبت می‌کرد و حسابی شلوغ بود. وسط سر و صداها محسن وارد شد. یک نفر به ریش او اشاره کرد و با صدای بلند گفت: «به به آقا محسن!» صدای بلند آن مرد توجه همه را به محسن جلب کرد. همه‌ی نگاه‌ها به صورت او دوخته شد و چند لحظه بعد، همه با هم خندیدند. او به تازگی رفته بود آرایشگاه و سر و صورتش را با مدل جدید اصلاح کرده بود.

آرایشگر همه‌ی ریشش را تراشیده و تنها به اندازه‌ی یک بند انگشت از موی زیر لبش را باقی گذاشته بود. وسط خنده‌ی بچه‌های فامیل یک لحظه نگاه پدر به محسن افتاد. هر دو به هم نگاه کردند. پدر همان طور که به او خیره شده بود لبخند زد. محسن از نوع نگاه پدر فهمید که کار درستی نکرده و مدل ریشش نامناسب است. برای همین بعد از خوردن افطاری، زود خداحافظی کرد و مستقیم به خانه رفت. قبل از اینکه پدر و مادرش برگردند رفت جلوی آینه و باقی مانده‌ی ریشش را هم زد.

محسن از نوجوانی هیچ وقت روی حرف پدر و مادرش حرف نمی‌زد. منتظر دستور هم نمی‌ماند؛ همین که احساس می‌کرد آنها چیزی را می‌خواهند فوری دست به کار می‌شد. او خیلی خوب معنای لبخندها و اخم‌هایشان را می‌دانست. محسن می‌دانست رضایت پدر و مادر مساوی با رضایت خداوند است و کسی که خدا از او راضی باشد، بهشتی خواهد بود.





اگر خیر دنیا و آخرت را می خواهید جز در خانه اهل بیت علیهم السلام و قرآن جایی نیویزد.
این را با تحقیق می گویم؛ جز راه ولایت فقیه امام خامنه ای مایلی از راهها باطل است.
به دختران، مادران و خواهران است، رسول الله صلی الله علیه و آله بگوید: سیاهی چادرتان از فاطمه علیها السلام
است، میافا کمرنگ شود، به مردان، پسران و برادران بگوید: غیرت و ایمانتان از علی علیه السلام
است، خیلی حواستان جمع باشد. دشمن فقط ایمانتان را هدف گرفته است، از جنگ
نرم غافل نشوید...

عاقبت بخیر بشوید. حلالم کنید.
محسن حججی

کتاب

